

فاطمه زهرا علیهاالسلام الگوی مبارزه سیاسی زن امروز

<"xml encoding="UTF-8?">

چکیده

عملکرد سیاسی حضرت زهرا علیهاالسلام در دفاع از حریم ولایت، پس از دوران رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان شهادت ایشان، از فرازهای مهم تاریخ اسلام است که در این مقاله، نحوه مبارزات و برخوردهای حضرت زهرا علیهاالسلام با غاصبان خلافت و شیوه های سیاسی اتخاذ شده برای رسیدن به هدف، با محور دفاع از ولایت و امامت مورد بررسی قرار گرفته اند. کلیدواژه ها: حضرت زهرا علیهاالسلام، امامت، مبارزه سیاسی، پایگاه سیاسی، انقلاب درونی، سکوت، فدک، وصیت، شهادت.

مقدمه

گرایش به الگو و پی روی از مُد نیاز بشری است که در جهت کمال گرایی و تکامل طلبی به طور فطری در درون انسان ها نهاده شده است و علم امروز آن را «همانندسازی» می نامد. از این رو، مشاهده می کنیم که نیاز به الگو و الگودهی به نسل ها، در آموزه های دینی به طور آشکار مورد توجه قرار گرفته است و قرآن به صراحت، به معرفی الگوها و اسوه های «مثبت» و «منفی» می پردازد؛ و اسوه های مثبت ثابتی را مطرح می کند که در تمام عصرها و برای همه نسل ها قابل اتکا و پی روی در عمل هستند. در معرفی الگو، آن نوع رفتارهای اجتماعی به عنوان «مدل» یا «راهنمای عملی» مدّ نظر قرار می گیرند (2) که از دیدگاه اسلام، در قرآن و روایات (آموزه های دینی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام) به عنوان نمونه و الگوی عملی معرفی شده اند. رمز ماندگاری الگوها (3) «زنده بودن تفکر و اندیشه الگوهای مطرح شده»، «همسویی سیره و سخن آنان با فطرت انسان ها»، «یکسان بینی جهان بینی و آرمان ها» و «شناخت پیروان آنان» قابل توجه و حایز اهمیت است. هر قدر این شناخت وسیع تر و عمیق تر باشد بهتر می توان محتوای پیام و گفتار و رفتار آنان را به دست آورد و از آن ها در جهت رسیدن به سعادت و تکامل و تحقق ارزش های فطری و الهی بهره برد. شناخت و معرفت نسبت به الگوهای شایسته، مانع از هدر رفتن یگانه سرمایه آن ها (عمر) می شود. از این رو، امام خمینی رحمه الله با تأسی به الگوهای عملی در اسلام می فرماید: «ما باید سرمشق از این خاندان [خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله] بگیریم؛ بانوان ما از بانوانشان و مردان از مردانشان، بلکه همه از همه آن ها. الگوی حضرت زهرا علیهاالسلام الگوی پیغمبر است.» (4) اما رسالت و تکلیف بر شناخت معصومان علیهم السلام، ما را بر آن می دارد که عملکرد آن ها را مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به اینکه حضرت زهرا علیهاالسلام الگوی عملی و عینی برای زنان مسلمان است که می تواند در همه زمینه ها سرمشق نسل امروز و فردا قرار گیرد، در این مقاله، به اختصار به ابعاد سیاسی زندگی حضرت فاطمه علیهاالسلام و مبارزات ایشان در دفاع از حریم ولایت و امامت می پردازیم.

مبارزه ای که ریحانه نبی در حسّاس ترین دوران آغاز کرد، از زمان آغازین انحراف جامعه پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، به عنوان مهم ترین و محوری ترین حرکت سیاسی جامعه محسوب می شد. هنگامی که او تعدّی غاصبان خلافت را به حریم ولایت و امامت دید، با تمام قوا و با روش های خود، برای دفاع از این حریم وارد عرصه فعالیت های سیاسی شد و در طول 75 روز (و به قولی 95 روز) همچون پروانه وجود خویش را برای تثبیت امامت، فدای ولایت کرد. امام خمینی رحمه الله در بیان عملکرد آن حضرت و درک عظمت آن حضرت چه زیبا فرمودند:

«زنی که هر کس با هر بینش، درباره او گفتاری دارد و از عهده ستایش او نیز برنیامده. احادیثی را که از خاندان وحی رسیده به اندازه فهم مستمعان بوده و دریا را در کوزه ای نتوان گنجاند و دیگران هر چه گفته اند به مقدار فهم خود بوده، نه به اندازه مرتبت او...» (5)

جایگاه سیاسی حضرت زهرا علیهاالسلام

کانون تربیت سیاسی فاطمه زهرا علیهاالسلام

تولّد فاطمه زهرا علیهاالسلام در دوران جاهلیت و شیوه رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با این انسان الهی از ابتدا یک امر سیاسی (تکلیف الهی) بود. او در کانون سیاست و بحران های جامعه رشد می کرد و تربیت می یافت و همراه با تحولات و بحران ها، درس می آموخت و شیوه های حضور در صحنه را عملاً آموزش می دید. رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله زدودن خرافات جاهلیت و معرفی جایگاه شامخ زن در آفرینش بود و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در رفتار خود با فاطمه زهرا علیهاالسلام، سعی داشت نگرش جامعه را به سوی زن از ابعاد شهوانی لهو و لعب، به ابعاد ملکوتی و ظرافت های روحی و نقش تربیتی و مدیریتی زن تغییر دهد. مقام و موقعیت ممتاز حضرت فاطمه علیهاالسلام و تثبیت جایگاه محکم او در انجام رسالت الهی به گونه ای بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در موقعیت های گوناگون، همواره بر دستان فاطمه زهرا علیهاالسلام بوسه می زد؛ هرگاه صدیقه مرضیه در جمعی وارد می شد که پیامبر در آن میان بودند، به احترام آن حضرت از جای خویش بلند می شدند و او را در جایگاه خود می نشاندند؛ (6) هنگام خروج از مدینه، از آخرین فردی که خداحافظی می کردند فاطمه علیهاالسلام بود و هنگام ورود به شهر هم به دیدار اولین کسی که می شناختند باز هم راضیه مرضیه علیهاالسلام بود. (7)

مشروعیت بازیگران سیاسی

مشروعیت بازیگران و رهبران سیاسی در هر جامعه ای مستلزم پیش نیازهایی است تا مردم جامعه با توجه به عملکردها و رفتار رهبران سیاسی مشروع و مقبول جامعه، نسبت به افراد جدید، شناخت و آگاهی لازم را به دست آورند و بتوانند نسبت به شخصیت های تازه وارد در امور سیاسی و اجتماعی جامعه و مشارکت آنان آگاهی کسب کنند و شخصیت های جدید را به عنوان رهبران آینده جامعه بشناسند. در صحنه سیاسی جامعه عرب جاهلی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کردار، گفتار و عمل خویش در مورد خاندان نبوّت و امامت حضرت علی و فرزندان و نقش فاطمه زهرا علیهاالسلام (8) در ارتباط با نبوّت و امامت و رضایت الهی، شناخت های لازم را به جامعه می دادند و در کلام و گفتار خود، مواضع اهل بیت علیهم السلام را با عبارت های گوناگون تحکیم می

کردند. پیامبر در طول دوران رسالت خود، برای رشد و استقلال فرهنگی مردم تلاش و کوشش بسیار کردند تا جامعه را نسبت به آینده آگاه سازند.

از سوی دیگر، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در زمینه مسئولیت و رهبری زنان، راضیه مرضیه علیها السلام را برای پذیرش این رسالت الهی تربیت کردند. فاطمه زهرا علیها السلام اولین درس را در بحرانی ترین شرایط سیاسی و اقتصادی یعنی در محاصره «شعب ابی طالب» آموخت (9) و به تدریج، با علم لدنی که داشت، مجالس بحث و وعظ و درس های تفسیر و احکام در مدینه برای بانوان جامعه دایر کرد. (10)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سخنان گهربار خود درباره جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام نزد خدا، (11) نزد آن حضرت (12) و جامعه، در شیوه های برخورد با فاطمه زهرا علیها السلام، ازدواج با حضرت علی علیه السلام، (13) ماجرای مباهله با مسیحیان نجران و حضور حضرت زهرا علیها السلام در آن جمع، (14) محدود کردن دایره اهل بیت علیهم السلام (15) و اشخاص آن، با احادیث گوناگون، مانند حدیث «کساء»، (16) «سفینه نوح»، (17) «ثقلین» (18) و ماجرای غدیر خم، (19) رسالت خود را به پایان رساندند و جامعه را برای پذیرش امامت حضرت علی علیه السلام آماده ساختند.

اما متأسفانه جاهلیت چنان در تار و پود جامعه ریشه دوانده بود که پس از رحلت ایشان، در ماجرای «سقیفه بنی ساعده» در فضای آکنده از اندوه و غم و ماتم رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، بازیگران سیاسی چنان جو را تغییر دادند و سریع عمل کردند که مقام خلافت را، که حق مسلم حضرت علی علیه السلام بود، غصب کردند. (20) انحراف و تخریب افکار عمومی و جنگ قدرت از کودتای «سقیفه بنی ساعده» آغاز شد. جامعه اسلامی نیز که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در طول دوران نبوت خود، ساختار آن را پی ریزی کرده بودند، با حرکت کودتاگران سقیفه و زنده کردن ارزش های جاهلی و روحیه ناسیونالیستی و سکوت یاران سُست اراده و فرصت طلبان دچار انحراف شد.

حضرت زهرا علیها السلام هم، که در بطن مسائل سیاسی جامعه و بحران ها رشد کرده و تربیت یافته بود و رسالت دفاع از حق و حقیقت را بر عهده داشت، با بصیرت و آگاهی عمیق نسبت به توطئه ای که مسیر امامت را منحرف ساخته بود، هشیارانه وارد عرصه جامعه شد و به صورت یک سیاست مدار آگاه و مدافع حریم امامت، در صحنه جامعه حضور جدی و فعال یافت و رهبری دفاع از امامت را برعهده گرفت. (21) او زنی است تربیت شده الهی و پیامبر زمان خود. پذیرش رهبری امام علی علیه السلام از سوی یک زن، با تفکر موجود جاهلی نسبت به زن تضاد داشت؛ اما از سوی دیگر، با پیش ذهنیت هایی که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله درباره حضرت زهرا علیها السلام در جامعه ایجاد کرده بودند، کاملاً همخوانی داشت و هنوز وجود گوهر گران قدری همچون فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان قوی ترین رکن سیاسی جامعه برای تشخیص و شناخت حق از باطل مطرح بود. دخت گرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به خاطر بیداری جامعه و آگاهی مردم در انحراف آغازین خود، فعالیت های سیاسی خود را آغاز نمود. بررسی فعالیت ها و روش هایی که فاطمه زهرا علیها السلام اتخاذ کرد، نمونه ای است که نشان می دهد اسلام می خواهد افراد جامعه، اعم از زن و مرد، همیشه نسبت به مسائل جامعه ای که در آن زندگی می کنند، آگاهی و شناخت لازم داشته باشند تا بتوانند در امور سیاسی جامعه مشارکت کنند و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، سدشکن تفکر غلط جاهلیت نسبت به زن بود که با تمام وجود، سرشار از عشق الهی و رسالت نبی، دفاع از امامت و ولایت را رهبری کرد.

روش های مبارزه سیاسی حضرت زهرا علیها السلام

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که حضرت علی علیه السلام در حال غسل و کفن و دفن پیامبر صلی الله علیه و آله بود، بعضی از بازیگران سیاسی با مسموم کردن جو، در «سقیفه بنی ساعده» خلافت را غصب کردند (22) و خلیفه ای را بر خلاف حدیث غدیر خم و خط مشی پیامبر و رسالت الهی انتخاب نمودند. عده ای از بازیگران سیاسی برای مشروعیت بخشیدن به خلیفه وقت و مقبولیت خلافت غصب شده و بر حق نشان دادن آن و سرپوش گذاردن بر مسیر انحرافی، بیعت گرفتن از خلیفه ذی حق را عَلم کردند و برای بیعت گرفتن از حضرت علی علیه السلام به در خانه فاطمه علیهاالسلام آمدند، ولی با امتناع حضرت فاطمه علیهاالسلام در گشودن در مواجه شدند. به همین دلیل، در خانه او را به آتش کشیدند، (23) فاطمه علیهاالسلام را مورد هجوم قرار دادند (24) و او از شدت درد بی هوش شد و فرزند خود را سقط کرد. آنان حضرت علی علیه السلام را برای بیعت گرفتن با خلیفه وقت به مسجد بردند. زمانی که حضرت فاطمه علیهاالسلام به هوش آمد، سراغ امام بر حق، علی علیه السلام، را گرفت. وقتی متوجه شد که او را به مسجد برده اند، بلافاصله دست فرزندانش خردسالش حسن و حسین علیهماالسلام را گرفت و به مسجد رفت. (25) هنوز مردم عوام جامعه و مهاجران و انصار برخوردی باکرامت و بزرگواریانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با فاطمه زهرا علیهاالسلام و سخنان پیامبر را نسبت به دخت گرامی اش از یاد نبرده بودند و احترام و تکریم خود را نسبت به فاطمه زهرا علیهاالسلام در باطن ضمیر خویش در نظر داشتند. وقتی که فاطمه زهرا علیهاالسلام به مسجد رفت و غاصبان خلافت را تهدید کرد که اکنون خدا را به یاری می طلبم، با تهدید او، غاصبان خلافت تا حدی جا خالی کردند و از بیعت گرفتن با حضرت علی علیه السلام دست برداشتند و در این مبارزه، فاطمه زهرا علیهاالسلام با پیروزی به خانه برگشت. (26)

ب. تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی جامعه (گریه کردن)

در مرحله دیگر، فاطمه زهرا علیهاالسلام تاکتیک «گریه» را انتخاب کرد (27) و به عنوان یک حربه سیاسی از آن بهره برد. صدیقه طاهره علیهاالسلام محل گریه خود را مرکز اجتماع مسلمانان (28) قرار داده بود؛ بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله، شهدای احد و قبرستان بقیع می رفت و در این اقدام، همراه کودکان خردسالش (برای تحت تأثیر قرار دادن جامعه) و در ساعات شب و روز با ذکر مرثیه هایی در فقدان پدر بزرگوار خویش (29) و انحراف امت پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سعی می کرد جامعه خفته را بیدار سازد.

ج. سخنرانی (با تکیه بر فدک)

حربه سیاسی دیگر، سخنرانی با تکیه بر غصب «فدک» بود (30) که به دنبال غصب آن توسط خلیفه وقت، فاطمه زهرا علیهاالسلام بار دیگر از این حرکت رژیم حاکم به عنوان یک حربه سیاسی و فرصت مناسب سیاسی برای روشن ساختن اذهان جامعه در غصب خلافت مسلم حضرت علی علیه السلام استفاده کرد. در حقیقت، فاطمه زهرا علیهاالسلام به نام غصب حق مالکیت خویش، به اعتراض سیاسی و استیضاح حاکم وقت پرداخت و به مسجد رفت و خطبه خواند. (31)

در این خطبه، چند فراز و نمود خاص وجود دارند. فاطمه زهرا علیهاالسلام در ابتدا، با یادآوری رسالت پیامبر و دفاع از رهبری و امامت بر حق حضرت علی علیه السلام و حق مالکیت خویش بر فدک از لحاظ قانون ارث در

اسلام، با سازش کاران سیاسی اتمام حجت کرد. ایشان در فرازی از آن خطبه می فرماید:

«هان ای مردم! بدانید من فاطمه ام و پدرم محمد صلی الله علیه و آله، انتها و ابتدای کلامم یکی است؛ هرگز آنچه می گویم غلط نبوده و آنچه انجام می دهم ظلم نیست.» (32)

نکته بارز در خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام این است که آن حضرت با فصاحت و بلاغت خاصی به دفاع از مقام ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام می پردازد. در فرازی از این خطبه می فرماید:

«... و چون خداوند پیامبرش را به خانه انبیا فراخواند، جایی که برگزیدگانش زندگی می کنند، خارهای نفاقان سر برون آورد و پوشش دینتان رنگ باخت و صدای سرکرده گم راهان درآمد و پست مهره ای ذلیل و ناشناخته ظهور کرد و نازپرورده جاهلان مفسد زمزمه سر داد. پس بر دل ها و زندگی تان سوار شد ... و شما بر حق غضب کردید...» (33)

دفاع از حریم ولایت توسط یک زن و بذری که او در مسجد با سخنان مستدل و منطقی خود کاشت، بعدها در بیعت مردم با حضرت علی علیه السلام (پس از قتل عثمان) به ثمر نشست.

در فراز دیگری از این حرکت سیاسی، حضرت زهرا علیهاالسلام به دفاع از ارث زن در اسلام می پردازد؛ دفاع از مالکیت بر حق زن. این حرکت بر خلاف راه و رسم موجود در افکار جاهلی بود که در بعضی از اذهان رسوخ داشت. اما آنچه را اسلام حق می دانست برای فاطمه زهرا علیهاالسلام معیار و محک بود، نه عرف و سنت های جاهلی. آن حضرت توانست با حضور در مرکز اجتماع مسلمانان و مهم ترین مکان معتبر سیاسی یعنی مسجد به محاجّه با خلیفه وقت پردازد و او را به استیضاح بکشاند و با رسوایی سیاسی حاکمان وقت، تا حد زیادی مشروعیت آنان را زیر سؤال برد و رسم های جاهلیت را درهم بشکند (34) و نشان دهد که هیچ حکومتی نمی تواند حق و مال کسی را غصب کند، حتی اگر این حق متعلق به یک زن باشد.

د. رایزنی سیاسی

حضرت فاطمه علیهاالسلام همچون سیاستمداری قهرمان، به تکلیف و رسالت الهی خویش عمل می کرد و برای روشن ساختن افکار عمومی از انحراف مسیر امامت، چهل شبانه روز (35) دست حسن و حسین علیهماالسلام را می گرفت و سوار بر مرکبی می شد و همراه با حضرت علی علیه السلام به در خانه مهاجر و انصار می رفت تا آن ها را نسبت به غفلتی که دچار آن شده اند و انحراف موجود، بیدار سازد و غافلان و راحت طلبان را هوشیار سازد. فاطمه زهرا علیهاالسلام در حقیقت، با رایزنی سیاسی خود، با یاران رسول صلی الله علیه و آله اتمام حجت می کرد و همچون دیپلماتی آگاه، با حضور خویش سعی می نمود مسیر انحراف امت را روشن سازد و مسیر واقعی را که امامت علی علیه السلام است و نیز حریم ولایت را روشن و بی پیرایه ارائه دهد تا در فردای قیامت، برای صاحبان زر و زور و تزویر و عافیت طلبانی که فریب خورده اند، بهانه ای وجود نداشته باشد.

ه. اعتصاب سخن (سکوت سیاسی)

در مسیر دفاع از حریم ولایت و امامت، فاطمه زهرا علیهاالسلام شیوه مبارزاتی دیگری را با سکوت خود آغاز کرد، و آن «اعتصاب سخن» با حاکمان وقت بود. (36) صدیقه طاهره علیهاالسلام شیوه ای سیاسی را آغاز کرد که تداوم دهنده تاکتیک ها و شیوه های مبارزاتی قبلی آن حضرت بود. تمامی این شیوه ها در راستای یکدیگر معنا می دهند. آن حضرت با اتخاذ حرکت های سیاسی خاص از قبیل گریه در مراکز شلوغ و محل عبور و مرور

مسلمانان، حضور در مسجد و مراجعه به خانه های مهاجر و انصار که تمامی آن ها با حضور قوی آن حضرت در صحنه مبارزات سیاسی همراه بودند جامعه را از لحاظ افکار، تحت تأثیر قرار داد، ولی ناگهان شیوه مبارزه سیاسی خود را تغییر داد و سکوت اختیار کرد.

این تاکتیک و شیوه جدید در اذهان جامعه، که به حضور آن حضرت در صحنه عادت داشتند، سؤال ایجاد می کرد و مسئله برانگیز بود که چه شده است که فاطمه زهرا علیهاالسلام سکوت کرده است؟ این تغییر رویه به طور طبیعی، توجه اجتماع را جلب می کرد و افکار عمومی را به تکاپو وامی داشت تا در پی یافتن علت آن باشند. فاطمه علیهاالسلام در محاجّه خود عهد کرد که دیگر با خلیفه سخن نگوید. (37) پس از حضور خلیفه در خانه فاطمه زهرا علیهاالسلام و گفت و گوی کوتاه آن ها با حضرت فاطمه علیهاالسلام که حضرت علی علیه السلام در این میان پیامبر سخن مابین فاطمه علیهاالسلام و خلیفه وقت بود، (38) و گرفتن اعتراف از خلیفه وقت مبنی بر مقام شامخ حضرت فاطمه علیهاالسلام از زبان پیامبر در اینکه رضایت فاطمه رضایت خدا و خشم او خشم خداست، فاطمه زهرا علیهاالسلام مشروعیت خلیفه را زیر سؤال برد و اذهان جامعه و افکار عمومی را در مشروعیت خلیفه وقت دچار تردید کرد که فاطمه علیهاالسلام حق را می گوید و امامت حق است غصب شده توسط خلیفه وقت! پس از اینکه آن حضرت از خلیفه وقت اعتراف گرفت، قسم خورد که دیگر با او سخن نگوید و با این دیدار و سخن فاطمه زهرا علیهاالسلام، مشروعیت حاکمان وقت بیش از گذشته زیر سؤال رفت و در بسیاری از اذهان که نادانسته و تحت تأثیر جوّ موجود بیعت کرده بودند، شک و تردید و پشیمانی ایجاد شد و بدین سان، این حربه بسیار مؤثر واقع گردید.

و. ایجاد انقلابی درونی در خانه ها

شیوه مبارزاتی دیگر فاطمه زهرا علیهاالسلام دادن آگاهی و رشد سیاسی به زنان مهاجر و انصار بود که بدین وسیله، آتش مبارزه در خانواده های مدینه وارد می شد. این مبارز سیاسی شکست ناپذیر، که تمام تاب و توان خود را در دفاع از حریم ولایت و امامت قرار داده بود، به علت تلاش بیش از حد، ناتوان شد. به همین دلیل، پس از مدتی فاطمه زهرا علیهاالسلام به علت بیماری و ضعف، در خانه بستری شد. وقتی خبر بیماری آن حضرت در مدینه پیچید، زنان مهاجر و انصار، که وامدار تعلیم و تربیت فرهنگی آن حضرت بودند، برای عیادت او به خانه اش آمدند. وقتی از حال آن حضرت جویا شدند، از حال خود نگفت، بلکه در دفاع از حریم ولایت به سخن پرداخت (39) و از سستی مردانشان سخن راند که حق را فراموش کرده اند و سکوت اختیار نموده اند. بازتاب سخنان دخت پیامبر به تدریج، در درون خانه ها آتشی به پا کرد و انقلابی پرخروش را جهت داد که به حریم خانه ها راه یافت و نطفه های آگاهی و شعور را بارور کرد.

این شیوه مبارزه نشان می دهد اگر در جامعه ای به جای مشغول ساختن زنان به خود، برای آن ها کار فرهنگی و فکری صورت گیرد و به آنان آگاهی سیاسی داده شود، آنان بهتر می توانند در شناخت حق و حقیقت بدون تعارف های دیپلماتیک و بازی های سیاسی وارد صحنه شوند و به دفاع بپردازند. مصداق این حقیقت در انقلاب اسلامی ما نمود پیدا کرد؛ حضور زنان و پیشتازی آنان در صحنه مبارزات انقلاب و پشتیبانی از جنگ و فعالیت های پشت جبهه این نظریه را ثابت می کند که حرکت زنان ایران وامدار مبارزات سیاسی اسوه و الگوی زنان جهان حضرت زهرا علیهاالسلام بوده است.

تاکتیک کوبنده دیگری که صدیقه طاهره علیهاالسلام اتخاذ کرد و ضربه سهمگینی بر حکومت وقت وارد آورد، وصیت نامه سیاسی آن حضرت است؛ وصیت نامه ای که برای بیدار ساختن افکار خفته و توجه افکار عمومی و عدم بهره بردای حاکمان سیاسی وقت از مراسم سوگواری و دفن آن حضرت نگاشته شد. (40)

حضرت زهرا علیهاالسلام در وصیت نامه سیاسی خود تأکید می کند که حضرت علی علیه السلام، ولیّ بر حق، باید به آن عمل کند؛ چنان که تا بدان روز هیچ سیاست مداری چنین آگاهانه و مدبرانه و با آن ظرافت های سیاسی، عمل نکرده بود، بلکه شیوه ای بکر و تازه بود که از سوی سیاست مداری حرفه ای به خاطر دفاع از حریم ولایت و تحقیر موقعیت سیاسی خلیفه وقت اتخاذ شده بود.

حضرت فاطمه علیهاالسلام وصیت کرد که احدی از کسانی که به او ستم کرده اند در تشییع جنازه اش حاضر نشوند و شبانه او را دفن کنند. (41) در حقیقت، با این وصیت نامه، حربه سیاسی از دست حاکمان وقت گرفته شد. آنان می خواستند در مرگ آن حضرت با مرثیه سرایی و اشک و ماتم و ارادت به آن حضرت و تأسف از رحلت او، مخالفت ها و مبارزات حضرت زهرا علیهاالسلام را در دفاع از حریم ولایت تحت الشعاع قرار دهند و خلافت غاصبانه خود را در اذهان جامعه برحق جلوه گر سازند. اما دفن شبانه آن حضرت و نامشخص بودن مکان دفن ایشان، این سؤال را در میان امت اسلامی ایجاد کرد که چرا دخت گرامی پیامبر و یگانه گوهر گران قدر او چنین وصیتی کرده است؟

با عمل به وصیت آن حضرت توسط حضرت علی علیه السلام، اذهان جامعه دچار شک و تردید شد و تا حد زیادی مشروعیت خلیفه وقت زیر سؤال رفت و مظلومیت آن حضرت بیشتر نمایان گردید و اینکه چرا حضرت زهرا علیهاالسلام در مدت 75 (و به قولی 95) روز با تمام تاب و توان، با شیوه های گوناگون تلاش کرد تا مسیر انحرافی امت را روشن سازد که چرا امام بر حق علی علیه السلام را تنها گذاشته اند و کج راهه ای را انتخاب کرده اند که خلاف حق و حقیقت است، در حالی که علی علیه السلام بر حق است؟

تأثیر الگوی فاطمی در انقلاب اسلامی

از مجموع مباحث مطرح شده در صفحات قبل، می توان با اطمینان خاطر گفت: اسلام در نگرش خود به زن، با آفرینش ریحانه نبی و انسیه حوراء، نشان داد که دین جامعی است که زن تحقیر شده در جاهلیت دیروز و غرب زده امروز را نه تنها باور ندارد، بلکه تقبیح می کند و الگوی ایده آل زن مسلمان را فاطمه زهرا علیهاالسلام می داند تا بهانه برای هیچ زن مسلمانی باقی نماند که ما اسوه و الگویی نداشتیم تا با تمسک به او بتوانیم انحراف و باطل را تشخیص دهیم و یا به خود اجازه دهیم که وارد عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شویم. البته زنان مسلمان ایران با خودباوری به توان والای خویش و با شناخت فاطمه زهرا علیهاالسلام و مبارزات او، توانستند با حفظ کرامت، عزّت نفس و عصمت و تقوا، برای دفاع از آرمان های خمینی کبیر رحمه الله و انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی شجاعانه وارد صحنه شوند و با مجاهدت ها و ایثارهای خود، انقلاب عظیم اسلامی ایران را به پیروزی برسانند.

این حضور قوی نشان داد اگر زن ایرانی و مسلمان با شناخت وسیع و آگاهی از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله به دور از انحرافات و خرافات و پیرایه هایی که اسلام را پوشانده اند رشد یابد، به راحتی می تواند رفتارها و

نگرش فرهنگی خود را اصلاح کند و با این نگرش، چنان حضوری قوی در صحنه های گوناگون سیاسی و اجتماعی خواهد داشت که هیچ هم‌اوردی برای او وجود نخواهد داشت.

امام خمینی رحمه الله در پیروزی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، مهم ترین و مؤثرترین عامل را حضور پرشور و پرتوان زنان در صحنه سیاسی جامعه قلمداد کردند که این شیرزنان با رشد و آگاهی اسلامی و الهی خود توانستند حتی قوی تر از مردان در جامعه حضور یابند. از این رو، ایشان می فرماید:

«آنچه که در ایران بزرگ تر از هر چیز بود تحوّل است که در بانوان ایران حاصل شد. بانوان ایران در این نهضت انقلاب سهم بیشتری از مردان دارند و امروز هم، که در پشت جبهه ها مشغول فعالیت هستند، سهم آن ها بیشتر از دیگران است.» (42)

نکته جالب در میان سخنان حضرت امام رحمه الله، شناخت روان شناسانه و عمیق ایشان نسبت به روحیه زن، بخصوص «زن مسلمان ایرانی» است که بدان اشاره می کنند. هدف زنان ما در مبارزات سیاسی و حضور در صحنه های گوناگون جامعه، کسب جاه و مقام نیست و همان گونه که اشاره شد فاطمه زهرا علیها السلام نیز هرگز به خاطر منافع فردی و شخصی خود وارد مبارزه سیاسی نشد، بلکه با توجه به رسالت الهی، که بر دوش داشت، و در جهت دفاع از حریم امامت و ولایت، با استفاده از حربه های گوناگون سیاسی وارد صحنه گردید و چنان حماسه شکوهمند و ایثار و از جان گذشتگی را تا مرز شهادت به نمایش گذاشت. امام راحل رحمه الله هم به این بعد روحی و عرفانی زن اشاره می نماید که زنان مسلمان جامعه اسلامی به خاطر دفاع از اسلام و قرآن وارد صحنه سیاسی شدند و به همین خاطر، باید این حضور قوی را حفظ کنند، نه اینکه چون زن هستند باید در کنج عزلت به سر برند و خانه نشینی اختیار کنند و تابع محض حوادث و رویدادهای جامعه باشند. ایشان می فرماید:

«خانم ها برای اینکه یک چیزی مثلاً دستشان بیاید یا فرض کنید که صاحب منصب بشوند نمی آیند بیرون، خودشان و بچه هایشان را به کشتن بدهند. این اسلام و قرآن است که خانم ها را آورده است بیرون و همدوش مردها، بلکه جلوتر از مردها وارد صحنه سیاست کرده است.» (43)

در جای دیگر، ایشان حضور و دخالت بانوان در مسائل سیاسی را به عنوان تکلیف برای آنان قلمداد کرده، می فرماید:

«سیاست یک اثری نیست که مال دولت باشد، خانم ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند و تکلیفشان این است.» (44)

و مقام معظم رهبری نیز بارها به این مسئله اشاره کرده که زنان باید در عرصه های سیاسی فعال باشند و لازمه یک نظام اسلامی حضور پر قدرت و آگاهانه اقشار اجتماع، بخصوص، بانوان است. ایشان می فرماید:

«در نظام اسلامی، زنان باید از درک سیاسی برخوردار باشند، فنّ خانه داری و همسر داری را بدانند و در صحنه فعالیت های اجتماعی، سیاسی، علمی و خدمات، مظهر عصمت و طهارت و مناعت باشند.»

زن مسلمان ایرانی با داشتن الگویی همچون صدیقه طاهره علیها السلام توانست با حضور خود در صحنه های پرشور دوران وحشتزای طاغوت، حماسه انقلاب اسلامی را به منصّه ظهور برساند و سختی ها و مرارت های هشت سال جنگ تحمیلی را به جان بخرد و با ایثارگری های خود در پشت جبهه و گاه در درون جبهه و نیز تهاجم فرهنگی دشمن، توطئه های دشمن را نقش بر آب سازد و با تمسّک به حبل المتین زهرای اطهر علیها السلام به عنوان الگو و اسوه در صحنه های گوناگون جامعه حضور یابد و فریب تبلیغات مغرضانه و مزورانه فریب کاران زر و زور و تزویر را نخورد و چه زیبا و دل نشین مقام معظم رهبری فرمود:

«زنان مسلمان در زندگی شخصی، اجتماعی و خانوادگی خود باید زندگی حضرت فاطمه علیهاالسلام را از جهت خردمندی، فرزاندی و عقل و معرفت الگو و سرمشق قرار دهند؛ از بُعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه تصمیم گیری های عظیم اجتماعی، خانه داری، همسر داری و تربیت فرزندان صالح از زهرای اطهر علیهاالسلام پی روی کنند.» (45)

نگرش فاطمی در بیداری زن مسلمان

در جهان امروز، جامعه مسلمانان به عنوان دومین جامعه بزرگ مذهبی است که بیش از 5/1 میلیارد عضو دارد که روز به روز در حال گسترش است و زنان نیز بیش از نیمی از این جامعه را تشکیل می دهند. در چنین جامعه ای، شناخت الگوی راستین برای زنان مسلمان می تواند تأثیر شگرفی بر جای بگذارد. یکی از بزرگ ترین درس های عملی از حضرت زهرا علیهاالسلام حضور فعال در صحنه های اجتماعی سیاسی با حفظ عفت و حجاب و ارزش های وجودی زن است که در انقلاب اسلامی، جلوه یافت و الگویی برای زنان مسلمان در سطح جهان گردید. تأسی به اسوه و الگوی برتر زنان جهان، حضرت زهرا علیهاالسلام، گامی نوین و حرفی نو مطرح ساخت که زن مسلمان در اقاصا نقاط جهان، از آسیا تا آفریقا، از اروپا تا آمریکا، می تواند با تکیه بر الگوی عملی فاطمی، به خودباوری و احیای هویت اسلامی دست یازد؛ همچنان که زنان مسلمان در سطح جهان با احیای عزت اسلامی و مبارزه با ساختارهای موجود و جنبش های فمینیستی و قوانین موجود در جهت تثبیت ارزش های زن مسلمان گام برداشتند.

قدرت یافتن جنبش های زنان مسلمان و حضور آن ها در عرصه های بیداری و حق طلبی نماد بارزی است که با پی روی از الگوی آموزه های دینی فاطمی به وجود آمده است؛ به گونه ای که رسانه های غربی همواره از تأثیر انقلاب اسلامی و تغییر رویه زنان مسلمان در سراسر جهان سخن گفته اند؛ صحبت از زنانی که روزی در فرهنگ برهنگی غوطه ور بودند و امروز با شناخت حقیقت وجودی خویش، در جبهه جنگ و جهاد و شهادت تا مرحله ایثار جان نیز گام نهاده اند. دستور در یکی از گزارش های خود به این موضوع اشاره کرده، می نویسد: بیداری زنان لبنانی، آنان را به مسلسل کلاشینکف و بمب های مولوتف مجهز ساخت. اردوگاه زینبیه در بعلبک، که زیر نظر دفتر زنان انقلابی وابسته به دایره جنبش های آزادی بخش اداره می شود، اینک به عنوان مکانی مقدس برای فعالیت زنان جنوب لبنان به شمار می رود. (46)

نیویورک تایمز در گزارش دیگری با تکیه بر بیداری زنان مسلمان و تلاش آن ها برای احقاق حقوق واقعی شان می نویسد: جنبش های زنان در کشورهای اسلامی بسیار قوی و متشکل می باشد و زنان در این کشورها، فعالیت های زیادی برای کسب حقوق خود در چارچوب های غیرمذهبی و مذهبی انجام می دهند ... در تمام دنیای اسلام، از شمال آفریقا و خاورمیانه تا جنوب شرقی آسیا، انواع گوناگونی از افراد و گروه های حقوق زنان، با فرهنگ های متفاوت، اما مشترک در داشتن ایمان قوی در حال ایجاد جنبش هستند. (47)

امید است زنان مسلمان ایران و جهان با حضور بیدارگرانه خود و کسب آگاهی نسبت به مسائل اسلامی و شناخت اسلام واقعی، با داشتن الگوهایی همچون حضرت زهرا علیهاالسلام، که افتخار زنان جهان است، بیش از پیش این موهبت و رحمت الهی را درک کنند و حضور خود را در صحنه های گوناگون جامعه در چارچوب اسلامی تداوم بخشند.

اگر مبارزات سیاسی فاطمه زهرا علیهاالسلام در دفاع از حریم امامت و ولایت نبودند جریان امامت در همان «سقیفه بنی ساعده» خاتمه می یافت. اما خداوند اراده کرده بود که ریحانه نبی و همسر ولایت بار سنگین مبارزات سیاسی را در مدت کوتاهی بر دوش بگیرد و جامعه خفته را بیدار سازد و همچون پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله رسالت را به امامت متصل سازد و وجود آن حضرت، تجلّی بخش امامت بود. دفاع فاطمه زهرا علیهاالسلام از حریم امامت و ولایت بود که توانست از قتل حضرت علی علیه السلام جلوگیری کند و تا حدی جوّ متشنّج سیاسی آن روز مدینه را کنترل نماید و حقّانیت حضرت علی علیه السلام را به مرور زمان ثابت کند تا در سال های بعد، با بیعت مردم با حضرت علی علیه السلام مسیر امامت تداوم یابد و فرزندان آن حضرت ادامه دهنده خط مشی سیاسی و مبارزاتی مادر نمونه شان باشند. همو بود که دختری همچون زینب علیهاالسلام را در کانون تربیتی خویش پرورش داد تا در کربلا ادامه دهنده و پیامبر خون امام حسین علیه السلام باشد.

مبارزات سیاسی حضرت زهرا علیهاالسلام نشان دادند که یک زن، که عنصر پیونددهنده بین رسالت و امامت است، چگونه می تواند با جثه ضعیف خود و روح عظیم الهی خویش، بار سنگین مبارزه را بر دوش کشد و با جان و مال خود تا آخرین نفس، خط الهی را دنبال کند و فریب سیاست پیشگان زر و زور و تزویر را نخورد و نشان دهد که در سخت ترین عرصه های سیاسی و اجتماعی جامعه، که حتی مردان رزم دیده و مقاوم هم دچار تزلزل می شوند، یک زن ایستا و مقاوم می تواند در مقام دفاع از حق و ولایت بایستد و رسالت خویش را جانانه به ثمر برساند.

حضور سیاسی فاطمه زهرا علیهاالسلام نشان داد که یک زن با آگاهی و اتخاذ شیوه های سیاسی مدبّرانه می تواند در صحنه های گوناگون جامعه به مبارزه بپردازد. این حضور نه تنها تفکر «عدم حضور زن در اجتماع» را نفی می کند، بلکه انحصار حضور مردان در عرصه های سیاسی را به نقّادی می کشاند و بر آن مهر ابطال می زند.

راضیه مرضیه علیهاالسلام با زندگی و مبارزه خود، در عرصه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عبادی، خانه داری، همسررداری، تربیت فرزند و بخصوص در صحنه های گوناگون سیاسی، نشان داد که یک زن می تواند با حفظ حریم عفت و ارزش های انسانی، در تمامی عرصه های جامعه حضور داشته باشد و اسلام چنین می خواهد که زن نیز همچون مرد، در تمام عرصه های جامعه عنصری فعّال و پویا باشد و با پیروزی انقلاب اسلامی، این تحوّل و نگرش نسبت به زن در جامعه ایجاد شد و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمه الله ، و مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه ای، نیز در سخنان خود بر این امر تأکید داشته و صحّه گذاشته اند.

دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و انسیه حورا، حضرت فاطمه علیهاالسلام ، با اخلاق و رفتار و کارنامه عملی و فکری خویش، مکتبی را برای زنان پایه گذاری کرد که زمزم تکامل و تعالی و چشمه سار والای کرامت انسانی است، که زنان امروز نیز با تأسّی به این اسوه و الگوی برتر، می توانند به گسترش ارزش های دینی بپردازند و با ایجاد حسّ مسئولیت پذیری، خودسازی، روحیه شهادت طلبی، دفاع، انفاق و ایثار و استقامت و پایداری و صبر، تلاش کنند تا در جهان امروز، به جایگاه حقیقی خویش دست یابند و بدین وسیله، با بازبینی سنّت های جاهلی و احقاق حقوق الهی و شرعی و تکیه بر هویت اسلامی، با حفظ حجاب به عنوان نماد استقامت (48) و پایداری، مسیر فاطمی را ادامه دهند. بی سبب نیست که یوسف زهرا علیهاالسلام الگوی تمام عیار خویش را در زمان ظهور این گونه معرفی می کند:

«فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة»؛ در دختر رسول خدا، فاطمه زهرا علیهاالسلام برای من، اسوه ای نیکو و شایسته است.

پی نوشت ها :

1. کارشناس ارشد علوم سیاسی و مسئول آموزش و پژوهش سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران.
2. جمشید هاشمیان فر، رضایت جوانان و گرایش آن ها به الگوی خودی، ص 1.
3. محمدرضا شرفی، جوان و نیروی چهارم زندگی، ص 17.
4. روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1366، ج 5، ص 283.
5. امام خمینی، در جستجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر سوم: زن، چ دوم، تهران، امیرکبیر، 1363، ص 129.
6. عایشه می گوید: «فاطمه در سخن گفتن، شبیه ترین مردم به رسول خدا بود؛ وقتی بر پغمبر وارد می شد، آن حضرت دستش را می گرفت و می بوسید و بر جای خود می نشانید. هر گاه رسول خدا بر فاطمه وارد می شد، به احترام پدر از جای برمی خاست، دست آن حضرت را می بوسید و در جای خود می نشانید.» (علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمّه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، 1381 ق، ج 2، ص 79 / محمّدباقر مجلسی، بحارالانوار، ترجمه محمدجواد نجفی، تهران، اسلامیه، 1354، ج 43، ص 6 و نیز ر. ک: ناصر مکارم شیرازی، زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، تهران، میقات، 1366).
7. قال ابوجعفر علیه السلام : «کان رسول الله اذا اراد السفر سلّم علی من اراد التسليم علیهم من اهله، ثمّ یكون آخر من یسلّم علیه فاطمة علیهاالسلام فیکون وجهه الی سفره من بیتها و اذا رجع بدا بها»؛ امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که رسول خدا اراده سفر داشت، با کسانی از اهل بیتش که قصد خداحافظی با آن ها داشت خداحافظی می کرد، سپس آخرین کسی که با او خداحافظی می کرد، فاطمه بود و از خانه فاطمه به سفر می رفت و زمانی که برمی گشت، ابتدا بدان وارد می شد. (محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 83 و نیز ر. ک: سیدجعفر شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، چ دهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1365).
8. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تصحیح سید هاشم رسول محلاتی، قم، علامه، ج 3، ص 141 / علی بن عیسی الاربلی، پیشین، ج 2، ص 92.
9. ابن شهر آشوب، پیشین، ج 1، ص 60، ص 71، ص 174 / محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 18، ص 187 و ص 209.
10. امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: زنی خدمت حضرت فاطمه علیهاالسلام آمد و گفت: مادر ناتوانی دارم که در امر نماز به مسئله مشکلی برخورد کرده و مرا خدمت شما فرستاده است که سؤال کنم، و مسئله را مطرح نمود. حضرت فاطمه علیهاالسلام جواب آن مسئله را داد. آن زن سؤال دوم و سوم را کرد و سپس تا ده مسئله از حضرت پرسید و حضرت علیهاالسلام همه را پاسخ داد. سپس آن زن از کثرت سؤال خجالت کشید و عرض کرد: ای دختر رسول خدا، دیگر مزاحم نمی شوم، خسته شدید، حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: خجالت نکش! هر سؤالی داری بگو تا جواب دهم. من از سؤالات تو خسته نمی شوم و با کمال میل جواب می دهم. اگر کسی اجیر شود که بار سنگینی را بر بام حمل کند و در ازای آن، مبلغ صد هزار دینار اجرت بگیرد، آیا از حمل بار

خسته می شود؟ زن پاسخ داد: نه. حضرت فرمود: خدا در برابر هر مسئله آن قدر به من ثواب می دهد که بیشتر است از اینکه بین زمین و آسمان پر از مروارید باشد. با وجود این، آیا از جواب دادن مسئله خسته می شوم؟ (محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 22، ص 31).

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: دو نفر زن که یکی مؤمن و دیگری معاند بود، در یک مطلب دینی با هم نزاع داشتند؛ برای حل اختلاف خدمت حضرت فاطمه علیها السلام آمدند. چون حق با زن مؤمن بود، حضرت فاطمه علیها السلام گفتارش را با دلیل و برهان تأیید کرد و بدین وسیله، بر زن معاند پیروز گشت. حضرت فاطمه علیها السلام به زن مؤمن گفت: فرشتگان خدا بیشتر از تو شادمان گشتند و غم و اندوه شیطان و پیروانش نیز بیش از غم و اندوه زن معاند می باشد. (عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج 11، ص 627 / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 2، ص 8).

در پاسخ گویی به سؤالات پیامبر صلی الله علیه و آله که در مسجد از پیروانش می پرسید، علی علیه السلام همان سؤالات را از فاطمه علیها السلام می پرسید و به پیامبر پاسخ می داد. (طبرسی، احتجاج، ج 1، ص 11 / عبدالله بحرانی اصفهانی، پیشین، ج 11، ص 223 / قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، تعلیقات شهاب الدین مرعشی نجفی، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، 1403 ق، ج 10، ص 257 و 233 و 226 / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 94).

11. قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «أول شخصٍ تدخل الجنة فاطمة»؛ اول کسی که وارد بهشت می شود، فاطمه است. (محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 44) امام باقر علیه السلام فرمودند: «به خدا! ای جابر، در روز قیامت حضرت فاطمه شیعیان و دوستانش را جدا می کند؛ همچنان که پرنده دانه خوب را از دانه بد جدا می کند. (محمّدباقر مجلسی، پیشین و نیز ر. ک: سیدمحمد کاظم حائری قزوینی، فاطمه از ولادت تا شهادت، چ سوم، تهران، امیرکبیر، 1365).

12. قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «فاطمة بضعة مني من سرّها فقد سرّني و من ساءها فقد ساءني»؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه پاره تن من است؛ کسی که او را خشنود کند همانا مرا خشنود کرده است و هر کس وی را ناراحت کند، مرا ناخشنود ساخته است. (محمد بن نعمان مفید «شیخ مفید»، الامالی، ترجمه حسین استاد ولی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، 1364، ج 2، ص 259). قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «إذا اشتقتُ الى الجنة قَبِلْتُ عُرَّ فاطمة»؛ هر گاه شوق بهشت در دلم پیدا می شود گُلوی فاطمه را می بوسم. (محمّدباقر مجلسی، پیشین، ص 52). قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «فاطمة أعزُّ البرية عليّ»؛ فاطمه عزیزترین خلق نزد من است. (همان، ج 43، ص 39).

13. حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام می فرماید: «جبرئیل از جانب خداوند برایم پیام آورد که یا محمد! خدا تو را از بین مخلوقاتش برگزید و به رسالت انتخاب کرد، علی علیه السلام را برگزید و برادر و وزیر تو قرار داد، باید دخترت را با او کابین بندی. مجلس جشن ازدواج آنان در عالم بالا و در حضور فرشتگان برگزار شده است. خدا دو فرزند پاک و نجیب و طیب و طاهر و نیکو به آنان عطا خواهد کرد.» (محمد باقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 127 / علی بن عیسی الاربلی، پیشین، ص 95 / ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1368، ج 1، ص 157).

14. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ...» (آل عمران: 61)؛ کسانی که پس از ورود علم بر تو، جدال می کنند به آن ها بگو: بیا بید تا ما فرزندان خودمان را و شما هم فرزندان خودتان را و ما زنان خودمان را و شما هم زنان خودتان را و

ما نفوس خودمان را و شما هم نفوس خودتان را (برای مباحله و نفرین) دعوت کنیم و از خدا تقاضا نماییم که دروغگویان را مورد طرد و لعن خود قرار دهد. (ر. ک: ابراهیم امینی، فاطمه زهرا علیهاالسلام بانوی نمونه اسلام، چ هفتم، قم، شفق، 1373، ص 100).

15. آیه تطهیر: «اتَّامَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.» (احزاب: 33) ابن عباس می گوید: روزی حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام و حسن و حسین علیهماالسلام نزد پیغمبر بودند، فرمود: «خدایا، تو می دانی که اینان اهل بیت من و گرامی ترین مردم هستند، دوستانشان را دوست بدار و با دشمنانشان دشمنی کن؛ یاری کنندگانشان را یاری فرما؛ از تمامی بدی ها پاکشان گردان؛ از تمام گناهان محفوظشان بدار؛ به واسطه روح القدس تأییدشان فرما.» سپس فرمود: «یا علی! تو امام امت و جانشین من هستی.» (محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 24). زمانی که آیه 22 سوره روم (قُلْ لَا اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ ...) نازل شد که می فرماید: «ای پیامبر (به مردم بگو) از شما در مقابل پیامبری اجری نمی خواهم، مگر دوستی با نزدیکانم»، گفتند: ای پیامبر خدا! چه کسانی نزدیکان تو هستند که واجب است آنان را دوست بداریم؟ حضرت فرمودند: علی و فاطمه و فرزندان آن ها.» (محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 252).

16. «جابر بن عبدالله انصاری از حضرت زهرا علیهاالسلام نقل می کند: روزی پدرم بر من وارد شد و فرمود: سلام بر تو، ای فاطمه. عرض کردم: بر شما باد سلام خدا. فرمود: در بدن خود احساس ناتوانی می کنم. عرض کردم: پدر جان! شما را به خدا می سپارم تا ضعف از شما رخت ببرند. فرمود: عبا یمنی را بیاور و مرا با آن بپوشان ... سپس من و حسن و حسین و علی علیه السلام به فرموده پیامبر در زیر عبا جمع شدیم. بعد از آن، پیامبر طرفین عبا را گرفته، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کردند و عرضه داشتند: پروردگارا! اینان اهل بیت و خاصان و یاران من اند.» (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، چ 16، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1378، ج 17، ص 303 298 / قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج 2، ص 554 557).

17. قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فَيَكُم مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا رَخَّ فِي النَّارِ»؛ رسول خدا فرمود: مثل اهل بیتی در میان شما، مانند کشتی نوح است؛ هر کس که بر آن سوار شود، نجات یابد و کسی که از آن تخلف نماید، در آتش می افتد. (محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 23، ص 122 / شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفّاری، تهران، صدوق، 1373، ج 2، ص 27).

18. «إِنِّي تَارِكٌ فَيَكُم الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي؛ أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَانظُرُوا كَيْفَ تَلْحَقُوا بِي فِيهِمَا»؛ همانا دو چیز گران بها در میان شما بر جای می گذرام که تا وقتی به آن دو تمسک بجوید هرگز پس از من گم راه نخواهید شد؛ یکی از آن دو بزرگ تر، گرامی تر و مهم تر از دیگری است: این ها کتاب خدا، و عترت و خاندان من می باشند. این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد گردند. پس بنگرید که نسبت به آن دو، چگونه به من ملحق خواهید گشت. (محبّ الدین احمد طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، بیروت، دارالکتب العربیه، 1397 ق، ص 16).

19. قالت فاطمه علیهاالسلام : «أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْي مَوْلَاهُ؟ وَ قَوْلَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؟» فاطمه زهرا علیهاالسلام می فرمود: «آیا فراموش کردید سخنان رسول خدا را در روز غدیر که فرمود: هر که من مولا و رهبر اویم، علی نیز مولای اوست؟ و

آیا فراموش کردید که به علی علیه السلام فرمود: یا علی! موقعیت تو نسبت به من همانند هارون به موسی پیامبر است؟» (قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج 21، ص 26 و 27 / عبدالحسین امینی، الغدير، ترجمه اکبر ثبوت و محمد شریف رازی، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، 1363، ج 1، ص 58).

20. عبدالحسین امینی، پیشین، ج 7، ص 75.

21. البته پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه به حضرت زهرا علیها السلام هشدار لازم را داده بودند و در هنگام رحلت خویش فرمودند: «دخترم! بعد از من مورد هجوم و ستم قرار خواهی گرفت. پاره تنم! هر کس تو را آزار دهد مرا آزاده و آنکه به تو بییوندد، به من پیوسته ...؛ زیرا که تو از منی و من از تو ... هر کس از مردم به تو ستم کند، نزد خدا از او شکایت می کنم.» (قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج 19، ص 160 / محمدباقر مجلسی، ج 43، ص 177).

22. علی بن محمد بن المغازلی، مناقب آل ابی طالب، ترجمه شهاب الدین مرعشی نجفی، طهران، المكتبة الاسلامیه، 1394 ق، ص 18 / اخطب ابی بکر خوارزمی، المناقب، نجف اشرف، المطبعة الحیدریه، 1385 ق، ص 94 / عبدالحسین امینی، پیشین، ج 1، ص 272 / قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج 6، ص 256.

23. ر.ک: نعمت الله قاضی، اسرار سیاسی اسلام و بررسی زندگی زهراى بتول و فرزندانش، تهران، پیروز، 1349.
24. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 53، ص 18 و 19 / ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه و شرح محمد ابوالفضل ابراهیم، ج 14، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، 1385 ق، ص 193 / محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، بیروت، الدراسات الاسلامیه، 1413 ق، ص 45.

25. ابن قتیبہ دینوری، الامامة والسیاسة، ترجمه ناصر طباطبائی، تهران، ققنوس، 1380، ص 12 و 20.
26. «هنگامی که فاطمه علیها السلام با عده ای از زنان دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و در حالی که پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه داشت، در دفاع از امام خود به مسجد رفت و پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر در مسجد آویزان نمود و آن جمع وقتی خشم فاطمه زهرا علیها السلام را دیدند (در این هنگام ستون های مسجد لرزیدند.) به همین دلیل، غاصبان عقب نشینی کردند و علی علیه السلام به سلمان گفت: دختر پیامبر را دریاب! به خدا قسم می بینم که مدینه همچون طوماری می خواهد به هم بیچد و اهلس را فرو برد و غاصبان از ترس غضب فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام را رها کردند. (محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 198 / ابن ابی الحدید، پیشین، ج 2، ص 52 و ج 6، ص 48 / ابراهیم امینی، پیشین، ص 146 و 149).

27. عده ای از حضرت علی علیه السلام خواهش کردند که «تمتای ما از حضرتت این است که بازمانده نبوت را بخواهید یا شب را برای نوحه سرایی بر پدر اختیار نموده و روز آرام گیرد و یا بالعکس آن را برگزیند و زهرا علیها السلام بعد از آگاهی از خواست مردم، روش سوگواری خود را تغییر داد و گاه بر سر قبر حمزه و شهدای احد می رفت و گاه در بقیع حاضر می گشت و سوگواری می نمود و یا دست طفلان خود را می گرفت و نزد پدرش می رفت.» (محمد باقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 193 / سید احمد علم الهدی، اشک های فاطمه علیها السلام؛ پشتوانه علی علیه السلام، تهران، صدر، 1369، ص 38).

28. ر. ک: شیخ عباس قمی، رنج ها و فریادهای فاطمه علیها السلام، ترجمه محمدی اشتهااردی، قم، ناصر، 1369.

29. حضرت زهرا علیها السلام گاه با فرزندان خود درد دل می کرد و می فرمود: «کجا رفت آن کسی که شما را

دوست می داشت؟ کجا رفت آن کس که برای شما از همه مهربان تر بود؟ دیگر او نیست تا از در وارد شود. دیگر او نیست تا شما را بر شانه خود سوار کند.» (محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 181 / ذبیح الله محلاتی، پیشین، ج 1، ص 245).

30. ر. ک: شهیدمحمّدباقر صدر، فدک در تاریخ، ترجمه محمود عابدی، تهران، روزبه، 1360 و نیز ر. ک: ناصر مکارم شیرازی، حضرت زهرا علیهاالسلام و ماجرای غم انگیز فدک، مشهد، انجمن محبّان فاطمه، 1365، ص 18. 31. میرزا محمدتقی سپهر، ناسخ التواریخ، چ دوم، تهران، اسلامیه، 1363، ج 1، ص 144 و نیز ر. ک: سیدجمال الدین دین پرور، فاطمه بر کرسی رهبری، تهران، روزبه، 1355، خطبه حضرت در مسجد خطاب به ابوبکر.

32. آوای کوثر؛ خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1376، ص 49.

33. همان، ص 56 و 57 و نیز ر. ک: سیدعزالدین حسینی زنجان، شرح خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام، چ سوم، تهران، امیرکبیر، 1365.

34. علاءالدین هندی، کنزالعَمّال، ج 3، بیروت، مؤسسة الرساله، 1409 ق، ص 20 / جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، تاریخ الخلفاء، تحقیق محیی الدین عبدالحمید، تهران، الحوراء، 1382، ص 68 و نیز ر. ک: سیدجعفر شهیدی. زندگانی تأثیرانگیز فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله، تهران، حافظ، بی تا.

35. ابن قتیبہ دینوری، پیشین، ج 1، ص 12 / ابن ابی الحدید، پیشین، ج 2، ص 5.

36. حضرت زهرا علیهاالسلام پس از خطابه غزّای خود در مسجد و دفاع از فدک و استیضاح خلیفه وقت، رسماً به ابوبکر اعلام کرد: «اگر فدکم را پس ندهی تا زنده هستم با تو صحبت نمی کنم.» به همین دلیل، هر جا به ابوبکر برخورد می کرد، صورتش را برمی گردانید و با او حرف نمی زد. (علی ابن عیسی الاربلی، پیشین، ج 2، ص 103 / محمّد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج 8، ص 26 و 210 / جلال الدین سیوطی، پیشین، ص 67 / و نیز ر. ک: حسن سعید، پیام فاطمه علیهاالسلام، تهران، مدرسه چهل ستون، 1350، ص 35).

37. حسن سعید، پیشین، ص 54 / محمّد دشتی، تحلیل و بررسی حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام، قم، نشر امام علی علیه السلام، 1378، ص 150. 170.

38. دو تن از علمای اهل سنّت نیز به این مسئله اشاره کرده اند. (ابوالحسن مسلم قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، تحقیق موسی شاهین لاشین و احمد عمر هاشم، ج 4، بیروت، مؤسسه عزّالدین، 1407 ق، ص 125.) در صحیح بخاری، ج 4، ص 63 آمده است: «عده ای از عایشه نقل کرده اند فاطمه علیهاالسلام بر ابابکر غضب کرد و با او سخن نگفت و همچنان بر این حال بود تا از دنیا رفت.»

39. خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام در هنگام عیادت زنان مهاجر و انصار از ایشان، ر. ک: علی ابن عیسی الاربلی، پیشین، ج 2، ص 18 / محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 158 / محمّد دشتی، پیشین، ص 178 / محمّد

بن جریر طبری، پیشین، ص 39 / ابن شهر آشوب، همان، ج 2، ص 205 / ابن ابی الحدید، همان، ج 65، ص 20. 40. حضرت زهرا علیهاالسلام وصیت کرد: مرا شبانه، در آن هنگام که دیده ها همگی به خواب رفته اند، دفن کن

و حضرت علی علیه السلام نیز چنین کرد. (محمد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج 5، ص 139 / محمّدباقر

مجلسی، پیشین، ج 43، ص 183 و ص 214 / قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج 10، ص 453).

41. از حضرت علی علیه السلام سؤال شد که علت دفن حضرت فاطمه علیهاالسلام دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب چیست؟ ایشان فرمودند: «او از مردمانی (ملتی) خشمگین بود و کراهت داشت بر جنازه اش حاضر شوند و حرام است بر دوستان آنان و دشمنان فاطمه علیهاالسلام که بر فرزندان آن حضرت نماز گزارند.»

(محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، باب 37، ص 209).

42. امام خمینی رحمه الله ، پیشین، ص 99.

43. همان، ص 91.

44. همان، ص 38.

45. جزوه «میلاد کوثر فاطمه زهرا علیهاالسلام»، تهران، دفتر امور خواهران سازمان تبلیغات اسلامی استان

تهران، ص 12.

46. الدستور، چاپ انگلستان، 1/4/1985 م.

47. نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، 12/5/1996 م.

48. میدل ایست تامیز، چاپ قبرس، 12/11/1983 م.